

## مقدمه چهارم:

حضرت امام در بیان مقدمه چهارم می نویسد:

«المقدمة الرابعة: أن الأحكام الشرعية القانونية المترتبة على موضوعاتها على قسمين: أحدهما: الأحكام الإنشائية، وهي التي أنشئت على الموضوعات و لم تبق على ما هي عليه في مقام الإجراء، كالأحكام الكليّة قبل ورود المقيّدات و المخصّصات و مع قطع النّظر عنهما، أو لم يأن وقت إجرائها، كالأحكام التي بقيت مخزونة لدى وليّ العصر عجلّ الله فرجه و يكون وقت إجرائها زمان ظهوره، لمصالح [تقتضيها] العناية الإلهية. ثانيهما: الأحكام الفعلية، وهي التي آن، وقت إجرائها، و بلغت موقع عملها بعد تامة قيودها و مخصّساتها، ف أوفوا بالعقود بهذا العموم حكم إنشائي، و الذي بقي بعد ورود المخصّصات عليه بلسان الكتاب و السنّة هو الحكم الفعلي، و نجاسة بعض الطوائف المنتحلة للإسلام و كفرهم حکمان إنشائيان في زماننا، و إذا بلغا وقت إجرائها يصيران فعليين. و أمّا الفعلية و الشائبة بما هو معروف من أن الحكم بالنسبة إلى الجاهل و الغافل و الساهي و العاجز يكون شائبة، و بالنسبة إلى مقابلهم يصير فعليًا فليس لهما وجه معقول.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. احکام شرعی که قانون الهی هستند و بر موضوعات خویش بار می شوند به دو گونه اند:
۲. نوع اول: احکام انشایی که بر موضوعات خود قرار می گیرند ولی در مقام اجرا به همین صورت اولیه باقی نمی مانند. مثل اوفوا بالعقود که قبل از ورود مقيّدات و مخصّصات (و یا بدون توجه به آنها) یک حکم انشایی است.
۳. هم چنین احکام الهی که هنوز وقت اجرای آنها نرسیده است، یک حکم انشایی هستند (مثل احکامی که در نزد صاحب الزمان (ع) و مربوط به زمان ظهور است)
۴. نوع دوم: احکام فعلی که وقت اجرا و زمان عمل به آنها رسیده است و همه قيودات و مخصّصات آن وارد شده است مثل آنچه بعد از تقييدها و تخصيص ها از اوفوا بالعقود باقی می ماند.

۱. همان، ص ۲۴.



۵. اما آنچه معروف به عنوان حکم شأنی و حکم فعلی مطرح کرده است دارای معنای معقولی نیست. [تعبیر

امام به «حکم شأنی» به معنای حکم انشائی است]

ما می گوئیم:

۱. اشاره امام در قسمت آخر فرمایش ایشان به سخن مرحوم آخوند است که حکم را دارای مراتب چهارگانه بر می شمارد:

• الف) مرتبه اقتضاء (یا شأنی): همان مصلحت و مفسده ای است که در افعال وجود دارد قبل از اینکه شارع مطابق آنها حکم کرده باشد.

• ب) مرتبه انشاء: همان امر و نهی انشاء شده با همه قیودات و مخصّصاتش قبل از ابلاغ.

• ج) مرتبه فعلیت: همان حکم وقتی به مکلفین ابلاغ شد و شرائط تکلیف حاصل شد، فعلی می شود. (بدون اینکه صحبتی بر آن قائم شده باشد یعنی مکلف به آن علم پیدا کرده باشد).

• د) مرتبه تنجز: وقتی مکلف عالم به حکم فعلی شد، حکم منجز می شود.

«أن للتکلیف بعد ما لم یکن شیئا مذکورا یكون مراتب من الثبوت: (الأولی) ثبوت به مجرد ثبوت مقتضیه من دون إنشائه و تشریعه. (الثانیة) ثبوت به مع إنشائه من دون فعلیه بعث أو زجر، کثیر من الأحکام فی صدر الإسلام ممّا لم یؤمر النبی بتبلیغه و إظهاره. (الثالثة) ثبوت به مع فعلیه البعث أو الزجر، من دون قیام الحجّة علیه، فلا یكون علی مخالفته استحقاق ذمّ من العقلاء و لا عقوبة من المولی. (الرابعة) ثبوت به مع قیامها علیه، فیستحق علی مخالفة العقوبة.»<sup>۱</sup>

۲. امام این تقسیم بندی را قبول ندارند و می نویسند:

«و أمّا الاقتضاء و التنجز فلیسا من مراتب الحکم: أمّا الأوّل فواضح، و أمّا الثانی فلأنّه حکم عقلیّ غیر مربوط بمراتب الأحکام المجعولة، و معنی تنجزه قطع عذر المکلف فی المخالفة، و عدمه کونه معذورا فیها، من غیر تغییر و تبدیل فی الحکم و لا فی الإرادة.»<sup>۲</sup>

۱. فوائد الاصول، ص ۸۱

۲. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۲۵.

